

سنت‌های اجتماعی در قرآن ویژگی‌ها و مبادی و روش کشف سنت‌ها

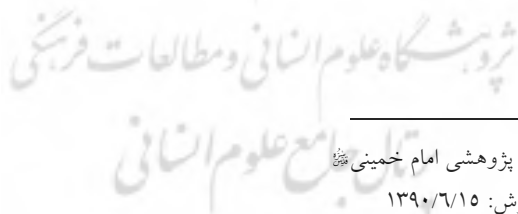
محمود رجیبی*

چکیده

این مقاله با رویکرد تحلیلی و نظری به بررسی ویژگی‌ها و مبادی و روش کشف سنت‌های اجتماعی در قرآن می‌پردازد. سنت اجتماعی به تدبیر و ساماندهی خدای متعال که دارای تداوم و تکرار است اطلاق می‌شود و بیانگر قوانین و احکام حاکم بر پدیده‌ها و زندگی اجتماعی و روابط میان افراد و گروه‌ها است.

استناد به خدا، تبدیل‌ناپذیری، سازگاری با اختیار انسان، و پیوند با زندگی اجتماعی انسان از جمله ویژگی‌های سنت‌های اجتماعی در قرآن است. از آنجا که سنت‌های اجتماعی دایره‌ای وسیع و انواع گوناگونی دارند، روش کشف آنها متنوع است.

کلیدواژه‌ها: سنت، سنت‌الله، سنت اجتماعی، قوانین اجتماعی، علوم اجتماعی، تبدیل‌ناپذیری سنت.



مقدمه

عنوان «سنت‌های اجتماعی در قرآن» سؤال‌های متعدد و متنوعی را در ذهن تداعی می‌کند. بررسی تفصیلی و کامل این مسائل در قالب یک مقاله میسر نیست؛ از این‌رو، به میزانی که دست‌کم محورهای مسئله و موضع‌ها، در مورد این پرسش‌ها روشن گردد، برداشت‌های نادرست و ابهام‌های آن برطرف شود و نقطه‌شروعی در این باب باشد، به آنها می‌پردازیم. بر این اساس، محورهای اصلی این مقاله را موارد زیر تشکیل می‌دهد:

مقصود از سنت اجتماعی و ویژگی‌های آن؛ رابطه قانون اجتماعی با سنت اجتماعی؛ رابطه سنت‌های اجتماعی با جامعه‌شناسی؛ جامعه‌شناسی دینی و تحقیقات اجتماعی؛ جامعه‌شناسی اسلامی و سنت‌های اجتماعی؛ روش کشف سنت‌های اجتماعی؛ قانون‌مندی جامعه و پدیده‌های اجتماعی از دیدگاه قرآن.

بحث از سنت‌های اجتماعی قرآن، در آثار مختلفی در کانون توجه و نگارش و پژوهش قرار گرفته است. در این میان دو کتاب ارزشمند *مقدمات فی التفسیر الموضوعی للقرآن* اثر گران‌سنت شهید سیدمحمدباقر صدر و *جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن* اثر آیت‌الله محمدتقی مصباح بر تارک این پیشینه می‌درخشد. با این حال، رویکرد روش‌شناختی به مسئله، به ویژه از زاویه مبادی و روش کشف سنت‌های اجتماعی، برای بازسازی علوم انسانی نیازمند تلاش‌ها و تحقیقات عمیق و گسترده‌ای است و پرداختن به مسئله از این منظر اهمیت ویژه‌ای دارد.

۱. مقصود از «سنت اجتماعی»

واژه «سنت» در لغت معانی و کاربردهای متفاوتی دارد؛ نظیر راه و روش، رسم، قانون، خصلت‌های انسان اعم از خوب و بد، عادت، طبیعت، روی و رخساره.^۱ امر دارای جریان این واژه در متون اسلامی، هم در معنای عام آن (راه و روش)،^۲ و هم در برخی از مصادیق ویژه همان معنی به کار رفته است. برای مثال، از یک‌سو در متون فقهی و اصولی قول، فعل و تقریر^۳ پیامبر ﷺ و امامان معصومین علیهم‌السلام، بدان جهت که بخشی از آن بیانگر روش ایشان است، سنت نامیده می‌شود و از سوی دیگر، بر آن قسمت از تدبیر و سازماندهی خداوند که دارای تداوم و تکرار است و «رویه» خدا را نشان می‌دهد، در آیات و روایات واژه «سنت الله» اطلاق شده است. آنچه در اینجا در کانون بررسی قرار می‌گیرد، کاربرد اخیر سنت است.

سنت‌ها به دو دسته فردی و اجتماعی تقسیم می‌شود. سنت‌های فردی در قوانین و نظام حاکم بر پدیده‌های فردی را بیان می‌کند و سنت‌های اجتماعی بیانگر قوانین و نظام حکام بر پدیده‌ها و زندگی اجتماعی و روابط میان افراد و گروه‌ها است در این مقاله دسته دوم در مدنظر است. سنت‌های اجتماعی خود به سنت‌های اجتماعی خاص و سنت‌های اجتماعی عام دسته‌بندی می‌شود مقصود از کشف سنت‌های اجتماعی سلسله اصولی است که در شفاف‌سازی مفهومی. و محدوده فعالیت‌های پژوهشی ناظر به استفاده تقسیم‌پذیر است که در این مقاله سنت‌های اجتماعی عام مد نظر است، اعم از آنکه ناظر به پویاشناسی یا تبارشناسی جامعه باشد. بنابراین، سنت‌های تاریخی نیز در قلمرو بحث قرار می‌گیرد.

ویژگی‌های سنت‌های اجتماعی قرآن

پیش از پرداختن به ویژگی‌های سنت‌های اجتماعی قرآن یادآوری این نکته ضرورت دارد که بر اساس جهان‌بینی توحیدی، علاوه بر آفرینش موجودات، تدبیر و سازماندهی آنها نیز از سوی خدا و به دست خدا است. بر این اساس، پیدایش موجودات، تأمین نیازمندی‌ها، دگرگونی و روابط نظام‌دار بین آنها، همه مستند به «تقدیر»، «اذن» و «اراده» خداوند متعال است. او مالک و مدبّر جهان و «رب‌العالمین»^۴ است. بنابراین، واژه ترکیبی «سنت الله»، که دربرگیرنده پدیده‌های مختلف و از جمله انسان و همه شئون وی از جمله زندگی اجتماعی او می‌باشد، بخشی از تدبیر و ساماندهی خداوند متعال است.

سنت‌های الهی دارای اقسام گوناگونی است: جهان‌شمول و غیرجهان‌شمول، دنیایی و آخرتی، سنت‌های مربوط به انسان و مرتبط به دیگر موجودات. آنچه در اینجا مورد نظر است، سنت‌های دنیایی مربوط به انسان می‌باشد.

قرآن در موارد متعدد به دنبال بیان برخی از مسائل تاریخی و سرگذشت اقوام و ملل - که محور آن سرگذشت امت‌های پیامبران گذشته ﷺ است - واژه‌های ترکیبی «سنت الله»، «سنتنا»، «سنت الاولین»، و «سنن الذین من قبلکم»^۵ را به کار برده و به صورت صریح یا ضمنی، برای آن، ویژگی‌هایی بیان کرده است که عبارت‌اند از:

الف. استناد به خدا

نخستین نکته‌ای که از ترکیب اضافی «سنت الله» به دست می‌آید، استناد آن به «الله» است. این استناد، حاکمیت بینش توحیدی را نشان می‌دهد که حتی قوانین و روابط موجود و حاکم بر طبیعت، انسان، جامعه و تاریخ به عنوان تجلی اراده الهی و نشانه ربوبیت و تدبیر

او در نظر گرفته می‌شود. این بینش بدان معنی است که وجود روابط حاکم، به معنی کنار زدن خدا در این زمینه‌ها نیست و پدیده‌های یادشده، در عین حاکمیت روابط ویژه بر آنها، وابسته به خدا هستند و بهره‌گیری از سنن حاکم بر عرصه‌های مختلف هستی نیز در سایه مشیت الهی و در پرتو قدرت، حکمت و تدبیر او صورت می‌گیرد. در واقع، سنت‌ها خود جلوه‌های گوناگون اراده خدا هستند.

البته، الهی بودن سنت‌ها را نباید با گرایش جبرگرایانه تاریخ، که کسانی چون هگل و مارکس طرح کرده‌اند و به کسانی چون سنت آگوستین نسبت داده‌اند یا با بینش جبرگرایانه اشاعره یکی دانست؛ زیرا این گرایش، حوادث تاریخ و پدیده‌های انسانی را تنها و تنها مرتبط به تاریخ یا «الله» می‌داند و کلیه پیوندهای حوادث با یکدیگر را ملغی می‌سازد. به عبارت دیگر، «ارتباط با الله» را به جای «ارتباط پدیده‌ها با یکدیگر» می‌نشانند. ولی در بینش قرآنی، روابط موجود بین پدیده‌ها پذیرفته می‌شود و بر پیوند علی و معلولی بین آنها تأکید می‌گردد. در عین حال، همین پیوندها و روابط را مظاهر تدبیر، حکمت، قدرت و حاکمیت اراده الهی می‌داند.^۶

ب. تحول و تبدیل‌ناپذیری

در آیات شریفه قرآن بر این نکته تأکید شده است که برای سنت خدا تبدیل و تحویل نمی‌یابد «وَ لَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا وَ لَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَحْوِيلًا» (فاطر: ۴۳).^۷ تبدیل به معنی جایگزین ساختن است.^۸ مقصود از «تبدیل‌ناپذیری سنن الهی» این است که آن دسته از پیامدهای رفتارهای گروهی و اجتماعی، که در آیات و روایات به عنوان «سنت الله» مطرح شده است، جانشین‌پذیر نیستند. نه خداوند، خود سنت خویش را مبدل خواهد کرد و پیامد دیگری را جانشین آن پیامدها می‌کند و نه موجود دیگری می‌تواند سنت خدا را دگرگون کند. نظیر آثار و پیامدهای انحصاری یک پدیده که در قوانین واقعی کشف شده با روش‌های علمی مشاهده می‌شود که پیامدهای ویژه هر پدیده در همه موارد برای آن پدیده ضرورت دارد و قابل جایگزینی نیست.^۹ تحویل نیز دارای معانی متعدد و مختلف و از جمله دگرگونی، زیر و رو کردن و منتقل کردن از مکانی به مکان دیگر است.^{۱۰} مقصود از تحویل‌ناپذیری سنن الهی این است که پیامدهای رفتارهای گروهی به لحاظ مورد و متعلق متحول و دگرگونی‌پذیر نیست و هیچ‌گونه جابه‌جایی در مورد و مکان آن رخ نمی‌دهد. توضیح آنکه، قرآن مجید در آیات فراوان به بیان عواقب ناگواری که دامنگیر امت‌های

ناصالح (کافر و مجرم) گذشته شده است یا پیامدهای خوشایندی که جوامع صالح گذشته از آن بهره برده‌اند، پرداخته است. در این آیات، قرآن کریم از این مطلب سخن به میان می‌آورد که علاوه بر تحویل ناپذیری، این پیامدها نخواهد شد و از دوام و کلیت برخوردار است، از مورد واقعی آن، ملتی که مستحق چنین پیامدی است، به موردی دیگر، قومی که زمینه‌های آن پیامد را فراهم نساخته‌اند منتقل نخواهد شد یا در مکانی که آن ملت‌ها باید دچار آن پیامد شوند، به مکانی دیگر منتقل نمی‌شود. در یک جمله، سنت‌ها دقیقاً و به تعبیر روایات، «ذراعاً بذراع و بشراً بشیر و باعاً باع»^{۱۱} درباره هر ملت جریان می‌یابد.

دو ویژگی یادشده تقریباً همان شرایطی است که با واژه‌های «دوام»، «ضرورت» و «کلیت»، به عنوان ویژگی‌های قوانین علمی از آن یاد می‌شود.^{۱۲}

البته، تحول و تبدیل ناپذیری سنن الهی را نباید با بی‌قید و شرط بودن آن یا عدم برخورد، تراحم و تأثیر و تأثر متقابل سنت‌های مختلف خلط کرد. سنن الهی در عین تحویل و تبدیل ناپذیری، دارای شرایط، تراحم و تأثیر و تأثر متقابل‌اند؛ چه بسا سنتی از پیامد سنت دیگر بکاهد یا زمینه جریان آن را به کلی از بین ببرد یا از بروز و ظهور پیامد خاص آن جلوگیری کند. این امر خود سنتی از سنن الهی است که در برخی از آیات و روایات آشکارا بیان شده است.^{۱۳} چنان‌که چنین تلاقی و تأثیر و تأثری را در مورد قوانین علمی نسبت به یکدیگر شاهدیم و هیچ‌گونه منافاتی با علمی بودن آن قوانین ندارد.

بر این اساس، امکان دارد گروه‌ها و جوامع انسانی، آگاهانه، و با شناخت سنت‌های مختلفی که برخورد و تأثیر و تأثر متقابل دارند یا ناآگاهانه، از طریق عمل کردن به برخی از سنت‌ها، از جریان یافتن برخی سنت‌ها جلوگیری نمایند، یا از شدت آن بکاهند یا به آن شدت یا سرعت بخشند و از پیامد ناگواری که بر اثر رفتارهای جمعی در انتظارشان هست، خود را مصون دارند یا خود را از پیامد مطلوبی که بر اثر رفتارهای جمعی خود و عمل به یک سنت از آن باید بهره‌مند شوند، محروم سازند، آن‌گونه که در روایات و آیات با ذکر مواردی از آن بیان شده است.^{۱۴}

ج. سازگاری با اختیار انسان

از آنجا که سنت‌های اجتماعی با انسان و پدیده‌های انسانی ارتباط دارد، در عین قطعیت، کلیت (تحویل و تبدیل ناپذیری) با اختیار و اراده آزاد انسان منافات ندارد و به معنای جبری بودن حوزه عمل آنها نیست. برخلاف آن توهم که «یا باید قانون ضروری و قطعی و

تحول و تبدل ناپذیر الهی را پذیرفت یا باید به اختیار و آزادی اراده پایبند بود و پذیرفتن هریک مستلزم نفی دیگری است»، قرآن مجید از منافات نداشتن، بلکه پیوند مستحکم این دو، سخن می‌گوید و آشکارا اعلام می‌کند که انسان‌ها هستند که با اختیار و اراده خویش، زمینه اجرای سنت‌های الهی را فراهم می‌آورند و خود را مشمول این یا آن سنت می‌سازند.^{۱۵} به تعبیر شیوای آیت‌الله شهید سید محمد باقر صدر «سنت‌های اجتماعی - تاریخی خداوند از زیر دست انسان‌ها جریان می‌یابند».^{۱۶}

در واقع، اینکه انسان از انتخاب آگاهانه و اختیار و آزادی برخوردار است، خود یکی از سنت‌های عام الهی در مورد انسان است و اکثر قریب به اتفاق سایر سنت‌های خداوند در مورد پیامدهای رفتار فردی و اجتماعی وی، تحت‌الشعاع این سنت قرار دارند و این سنت پیش شرط آنها محسوب می‌شود. از این رو، قرآن در آیات متعدد به امت‌ها و جوامع دستور هشدارآمیز داده تا با سیر در زمین به عینیت و تحقق جلوه‌های سنن الهی پی‌برده، با دریافت و مشاهده آنها، عبرت بگیرند و خود را در مسیر رستگاری و رشد و شکوفایی قرار دهند و از عواقب ناگواری که امم گذشته به آن دچار شده‌اند، بپرهیزند.^{۱۷} مسئول دانستن انسان در برابر رفتارهای گروهی و فردی - که در آیات بر آن تأکید شده است - نیز نشان دیگری بر منافات نداشتن قطعیت سنت‌های الهی با اختیار و اراده آزاد انسان به شمار می‌آید.^{۱۸} و در یک تحلیل عقلی می‌توان بر آن استدلال کرد.

پس اعتقاد و آگاهی از سنت‌های قطعی و تخلف‌ناپذیر الهی نه تنها دایره اختیارات انسان را محدود نمی‌سازد و سبب سلب اختیار از انسان نمی‌شود، بلکه خود یکی از ارکان اختیار و مکمل و احیاناً توسعه‌دهنده دایره آن است که در کتاب‌های انسان‌شناسی و کلامی بررسی و اثبات شده است.

د. پیوند سنت‌ها با زندگی اجتماعی

سنت‌های اجتماعی با زندگی اجتماعی و رفتارهای گروهی پیوند خورده است؛ به این معنی که این سنت‌ها در مواردی جریان دارد که افراد بسیاری از جامعه یا گروه زمینه جریان آن سنت را فراهم سازند و به عملی متناسب با آن پیامد به صورت مستقیم و یا غیرمستقیم اقدام کنند؛ به طوری که بتوان آن عمل را به آن جامعه نسبت داد. در چنین شرایطی است که پیامد مقرر، همه افراد جامعه، حتی کسانی را که مرتکب آن عمل نشده‌اند، دربر می‌گیرد. برای مثال، از آیه شریفه «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا

عَلَيْهِمْ بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَ لَكِنْ كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» (اعراف: ۹۶) به روشنی این نکته برمی‌آید که هرگاه از افراد جامعه‌ای به میزانی ایمان آورند که بتوان گفت: «جامعه ایمان و تقوا پیشه کرده»، خداوند نعمت‌های مادی و معنوی را شامل حال آن جامعه می‌کند که دست‌کم بخش مهمی از آن نعمت‌ها مانند رفاه اقتصادی، امنیت اجتماعی و پیشرفت علمی همه افراد آن جامعه را، خواه مؤمن و خواه کافر، دربر می‌گیرد. چنان‌که ملاحظه شد، «امر اجتماعی بودن» چه در زمینه‌ها و چه در پیامدها، محور اصلی نسبت یادشده در نظر گرفته شده است. این ویژگی بر آن دلالت دارد که بین تحقق و صدق عنوان اجتماعی زمینه‌ها و پیامدهای فراگیر آن، پیوند تکوینی برقرار است، نه آنکه صرفاً بین رفتار هر فرد و پیامد ویژه آن رفتار برای انجام‌دهنده آن، ارتباط وجود داشته باشد. گرچه ممکن است در آن مورد، علاوه بر پیامدهای اجتماعی، پیامدهای فردی هم وجود داشته باشد، آن امر جمعی را نمی‌توان به این پدیده‌های فردی تقلیل داد و تحویل برد؛ نظیر آنچه در باب نادرست بودن تحویل پدیده‌ها و قوانین جامعه‌شناختی به پدیده‌های روانی و قوانین روان‌شناختی در فلسفه علوم اجتماعی مطرح است.

در اینجا بیان این نکته ضروری است که هرچند سنت‌های اجتماعی به زندگی دنیا اختصاص ندارد و سنت‌های ویژه جهان آخرت یا عام نسبت به دنیا و آخرت نیز وجود دارد،^{۱۹} در اینجا مدنظر سنت‌های اجتماعی دنیایی است.

۲. سنت اجتماعی و قانون اجتماعی

بسیاری از دانشمندان علوم انسانی^{۲۰} پایایی و همگانی بودن و به تعبیر دیگر، اعتبار عام را مهم‌ترین شرط علمی بودن قوانین و قضایای علمی می‌دانند و بر این باورند که دستاوردهای تجربه‌درونی به لحاظ شخصی بودن آن و نیز معارف دینی به لحاظ جدلی‌الطرفین و غیرقابل اثبات‌ناپذیر بودن مبانی آن - دست‌کم برای همگان - از حوزه و قلمرو علم بیرون است و در تحقیقات علمی نباید به آنها استناد کرد و فقط دستاوردهای تجربه‌درونی و استنتاج‌های عقلی عام در خانواده علم قرار دارند.^{۲۱} در طرف مقابل، برخی از دانشمندان علوم تجربی بر اعتبار تجربه‌درونی و ضرورت استفاده از آن در مباحث علمی و مناقشه در شرط اعتبار عام برای تأمین عینیت در تحقیقات علمی تأکید کرده‌اند.^{۲۲}

البته اعتبار معارف دینی و تجربه درونی در جای خود بررسی و روشن شده است که تجربه درونی در تحقیقات علمی، دارای اعتبار است و نباید مناقشه‌های مطرح‌شده در این باب را چندان جدی تلقی کرد.^{۳۳} در خصوص مبانی معارف دینی نیز دانشمندان علم کلام و فلسفه اسلامی مسئله را به تفصیل بررسی کرده و با اثبات این مبانی با برهان‌های قطعی بطلان جدلی‌الطرفین بودن آن را روشن ساخته‌اند.^{۳۴} از این‌رو، در اینجا صرفاً به تعیین موضع خویش با توجه به آن مباحث می‌پردازیم. به نظر ما نه جدلی‌الطرفین بودن مبانی دینی پذیرفته است و نه ممکن نبودن همگانی‌سازی ساختن تجربه درونی پشتوانه منطقی مستحکمی دارد. از این‌رو، معتبر نبودن دستاوردهای وحی و تجربه درونی در قلمرو علم را نادرست دانسته، در باب رابطه «سنت اجتماعی» و «قانون اجتماعی» بر این باوریم که این دو می‌توانند بر یکدیگر منطبق شوند و آنچه از طریق وحی یا روش دیگری به عنوان «سنت اجتماعی» به دست می‌آید، با آنچه از طریق روش علم تجربی به عنوان «قانون اجتماعی» کشف می‌شود، از جهت بیان رابطه واقعی بین پدیده‌های اجتماعی تفاوت جوهری ندارد. تفاوت، تنها در روش کشف این دو در برخی موارد است. ما هر دو روش را معتبر می‌دانیم و برآنیم که تفاوت در روش حقیقت سنت اجتماعی و قانون اجتماعی را حقیقتی دوگانه نمی‌کند. تفاوت در روش، تنها می‌تواند دو نوع تفاوت در سایر ابعاد مسئله بیافریند. نخست آنکه، امکان دستیابی به سنت اجتماعی در پاره‌ای موارد قطعیت بیشتری نسبت به دستیابی به قوانین اجتماعی دارد، ولی قوانین اجتماعی در هر حال به هیچ‌موردی به این درجه از قطعیت نمی‌رسد و معضل منطقی استقرا که پایه و مبنای کشف قوانین تجربی است، همچنان بدون پاسخ می‌باشد. تفاوت دیگری که از تفاوت روش برمی‌خیزد، وسعت قلمرو سنت‌های اجتماعی است. در قوانین تجربی، سروکار، تنها با روابط طبیعی و محسوس بین پدیده‌ها است. ولی در سنت‌های اجتماعی، علاوه بر آن، کشف روابط فوق طبیعی و نامحسوس بین پدیده‌های اجتماعی نیز امکان دارد که وسعت قلمرو «سنت‌های اجتماعی» را نسبت به قلمرو «قوانین اجتماعی» نشان می‌دهد. البته مسائل زبان‌شناختی معارف دینی و نیز مسئله قلمرو دین و شمول آن نسبت به مسائل علمی تجربی مورد توجه است و چنان‌که در جای خود تبیین شده، چندان مشکل‌آفرین نیست و باید در فرصت دیگری بررسی شود.

۳. راه کشف سنت اجتماعی

با توجه به آنچه در باب رابطه سنت اجتماعی و قانون اجتماعی گذشت، مبنی بر وسیع‌تر بودن قلمرو سنت اجتماعی در مقایسه با قانون اجتماعی و شمول آن نسبت به روابط محسوس و غیرمحسوس، نمی‌توان روش واحدی را برای کشف کلیه سنن اجتماعی در پیش گرفت. هرچند سنتی را که در متون دینی آمده است، به استناد آن متون و از طریق روش نقلی و مشاهده اسنادی متکی به طریق وحی می‌توان کشف کرد. به بیان دیگر، با صرف نظر از برخی سنت‌ها، که تنها از طریق وحی به دست می‌آید، می‌توان سنت‌های اجتماعی قرآن را با دو روش کشف کرد: روش یا روش‌های عام بشری، و راه وحی. بنابراین، همان‌طور که سنن اجتماعی دایره‌ای وسیع دارند و در برگیرنده انواع مختلفی هستند، روش کشف آنها نیز متنوع است و احیاناً در برخی موارد با دو روش یا بیشتر یک سنت کشف شود یا قابل کشف باشد.^{۲۵}

۴. سنت‌های اجتماعی و علوم اجتماعی

این عنوان اشاره به این سؤال دارد که آیا مبحث سنت‌های اجتماعی می‌تواند در قلمرو جامعه‌شناسی قرار گیرد یا آنکه جامعه‌شناسی و سنت‌های اجتماعی، هریک قلمروی خاص خود دارند؟ گرچه پاسخ این سؤال تا حدی از مباحث گذشته روشن می‌شود، نیازمند توضیح بیشتری است. تا پیش از پیدایش رسمی جامعه‌شناسی و حاکمیت بینش پوزیتیویستی بر علوم انسانی و از جمله جامعه‌شناسی، متفکران اجتماعی از روش‌های گوناگونی در فهم و تبیین پدیده‌های اجتماعی و قوانین حاکم بر آن سود می‌جستند. ولی تقریباً همزمان با پیدایش مکتب پوزیتیویسم، که با آن بنیاد رسمی جامعه‌شناسی آغاز گردید، نسبت به روش‌های مختلف به جز روش تجربی برخی جامعه‌شناسان به آن بی‌مهری فراوانی شد. این روند مدت‌ها ادامه داشت تا در پرتو مساعی تبیین‌ها و پافشاری‌های طرفداران مکتب تفهمی، به ویژه جامعه‌شناسان آلمانی، به نقش ویژه روش تفهمی در علوم اجتماعی اعتراف شد و کم‌کم کسانی پیدا شدند که به ضرورت بنیان نهادن دو نوع جامعه‌شناسی: جامعه‌شناسی به روال علوم طبیعی و جامعه‌شناسی به روال علوم تفهمی تصریح کردند و به این طریق جامعه‌شناسی از زندان و حصار بسیار تنگ تجربه بیرونی‌رهایبی یافت و در فضای بازتری با باروری بیشتری به ثمر نشست. در این جریان، روشن

شد که علم بودن علوم اجتماعی لزوماً وابسته به تجربه بیرونی نیست و می‌توان به تأسیس علم جامعه‌شناسی با تکیه بر تجربه درونی اقدام کرد. البته پیش از این هم دانشمندانی یافت می‌شدند که دست‌کم در کنار روش تجربه بیرونی، بر تجربه درونی تأکید داشتند. چنان‌که هم اکنون هم این بینش در همه محافل علمی به کرسی ننشسته است و استقرار آن نیازمند گذشت زمان و تبیین هرچه بیشتر زوایای مختلف آن است. به نظر ما، این روند باید ادامه یابد و سایر روش‌های معتبر از جمله وحی و روش تعبدی و تعقل را، چنان‌که شایسته آن است، دربرگیرد؛ چه اینکه این دو روش نیز زوایای دیگری از زندگی اجتماعی و روابط بین پدیده‌های اجتماعی را روشن می‌سازند که مکمل شناخت‌های به دست آمده با روش تجربه بیرونی و همدلی و تفهم است. برای آنکه این دستاوردها از جهت روش به دست‌آوردن و داوری، برای استفاده‌کنندگان از آن قابل تفکیک و تمایز باشد، می‌توان پسوندهای مناسب هریک بر واژه جامعه‌شناسی افزوده شود، چنان‌که در جامعه‌شناسی تفهیمی صورت گرفته است. برای مثال، تعبیر «جامعه‌شناسی دینی»^{۲۶} و «جامعه‌شناسی فلسفی» را می‌توان به کار برد و برای جامعه‌شناسی رایج نیز از تعبیر «جامعه‌شناسی تجربی» استفاده کرد.

از آنچه گذشت، پاسخ سؤال مذکور روشن و دانسته شد که بحث از سنت‌های اجتماعی در قلمرو جامعه‌شناسی جای دارد؛ زیرا بین سنت اجتماعی و قانون اجتماعی تفاوت جوهری وجود ندارد. تفاوت در روش هم سبب نمی‌شود که این بررسی‌ها با توجه به وحدت موضوع و یک سنخ بودن مسائل، به ویژه قابل بررسی بودن یک سنخ از روابط واحد با دو یا چند روش به دو علم جداگانه تعلق داشت باشند. تفاوت در میزان واقع‌نمایی نیز امری نیست که این روابط را دوگانه سازد و این مقدار از تفاوت را در مورد دستاوردهای یک روش، برای مثال روش تجربی هم در موارد مختلف مشاهده می‌کنیم.

۵. سنت‌های اجتماعی و تحقیقات اجتماعی

ممکن است برخی تصور کنند که با توجه گستردگی و شمول سنت‌های اجتماعی نسبت کلیه روابط اجتماعی و قطعیت آنها، باید از تحقیقات اجتماعی تجربی دست کشید و به بررسی آیات و روایات پرداخت و کشف روابطی که وحی طرح کرده ما را از تحقیقات اجتماعی و جامعه‌شناسی به مثابه یک منظومه معرفتی برخاسته از دستاوردهای روش تجربی بی‌نیاز می‌سازد. ولی این تصور، توهمی بیش نیست. ما با اینکه مزایای روش تعبدی را پذیرفته‌ایم، بر این باوریم که به سه دلیل به تحقیقات اجتماعی نیازمندیم:

نخست آنکه اگر از طریق روش تعبیدی بتوانیم همه قوانین جامعه‌شناختی و تاریخی را کشف و تبیین کنیم - امری که نیازمند تحقیقات گسترده و درازمدت است - دست‌کم برای پی بردن به اینکه فلان پدیده اجتماعی چه وضعیتی دارد و مورد کدام سنت یا طبقه و مفهوم خاص می‌باشد، نیازمند تحقیقات اجتماعی هستیم؛ چه آنکه قرآن، به ویژه در مورد جوامع پس از پایان یافتن وحی در قالب مفاهیم کلی سخن گفته است و روایات نیز مشابه آیات‌اند. به عبارت دیگر، جامعه‌شناسی توصیفی و تبیینی پدیده‌های اجتماعی و تاریخی و جوامعی که در بیان وحی از آنها ذکری به میان نیامده، اعم از جوامع گذشته و پس از نزول به ویژه در زمان غیبت، مرهون تحقیقات اجتماعی است.

دوم آنکه تمام آنچه را پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امامان معصومان علیهم السلام در باب مسائل اجتماعی بیان کرده‌اند،^{۲۷ و ۲۸} به دست ما نرسیده است و نیز همه آنچه به دست ما رسیده است قطعی و دارای سند معتبر نیست. بنابراین، دستیابی به همه بینش‌های اجتماعی از طریق روش تعبیدی در شرایط فعلی امکان‌پذیر نیست و تحقیقات اجتماعی در این خصوص ضرورت می‌یابد. این نکته نیز شایان توجه است که بر فرض امکان‌پذیر بودن دستیابی به همه آنچه وحی در باب مسائل اجتماعی بیان کرده است، باز هم تا زمانی که به آن معارف به طور کامل دست نیافته‌ایم، تحقیقات اجتماعی ضرورت دارند.

سوم آنکه، تحقیقات اجتماعی در خصوص همان روابطی که از طریق وحی بیان شده است، در صورت توافق و انطباق دستاوردهای تجربی با معارف وحیانی، تأییدی بر دریافت‌های وحیانی است و در صورت تعارض و ناسازگاری، در اکثر موارد، که برداشت از بیانات دین در حد ظهور است، هشدار برای محقق است که مبادا در فهم و برداشت از آیات و روایات دچار لغزش شده باشد.

سرانجام آنکه داشتن زبان مفاهمه با دانشمندانی که مبانی ما را نپذیرفته‌اند و ارائه تبیین قابل هضم از این سنت‌ها برای آنان، پیوند وثیقی با تحقیقات اجتماعی دارد.

۶. جامعه‌شناسی اسلامی و سنت‌های اجتماعی

جامعه‌شناسی اسلامی را نباید با بررسی و تدوین سنت‌های اجتماعی مطرح شده در آیات و روایات یکی دانست و همه مباحث اجتماعی اسلام را در بیان سنت‌های اجتماعی خلاصه کرد. جامعه‌شناسی اسلامی از یک‌سو، بر یک سلسله مفروضات بنیادی و پیشین در باب جهان‌شناسی، انسان‌شناسی، زندگی اجتماعی انسان و روش‌شناسی مبتنی است که با

نادیده گرفتن آنها، تدوین این منظومه معرفتی امکان‌پذیر نیست. از سوی دیگر، در حوزه درون علمی نیز علاوه بر مبحث سنت‌های اجتماعی، محورهای مختلف دیگری را دربر می‌گیرد. بر این اساس، جامعه‌شناسی اسلامی با بهره‌گیری از تمام روش‌های معتبر، به بررسی پدیده‌های اجتماعی می‌پردازد و داده‌های هریک از روش‌های مختلف را با داده‌های دیگر روش‌ها تکمیل، تصحیح و تهذیب می‌کند. همچنین جامعه‌شناسان را به تجدیدنظر و بررسی مبانی معرفت‌شناختی، روش‌شناختی، جهان‌شناختی، انسان‌شناختی و جامعه‌شناختی خویش فرا می‌خواند.

از مباحث چند محور اخیر روشن گردید که تکیه بر روش تعبدی و ارج نهادن به آن به معنی کانالیزه کردن گروهی و نحله‌ای ساختن جامعه‌شناسی نیست و مستلزم اختصاص یافتن آن به مسلمانان نمی‌شود و اعتبار عام و همگانی بودن این رشته علمی را خدشه‌دار نمی‌کند؛ زیرا به نظر ما مبانی روش تعبدی قابل اثبات برای همگان است. در این صورت، علم مبتنی بر این مبانی نیز از اعتبار عام برخوردار می‌شود و چند قطبی بودن جامعه در بین جامعه‌شناسان نیز جریان دارد. برای مثال، جامعه‌شناسان پوزیتیویست، نه روش تفهیمی را به عنوان یک روش عام قبول دارند و نه دستاوردهای آن را جامعه‌شناسی می‌دانند. نظیر همین جریان در میان جامعه‌شناسان مارکسیست وجود دارد. ولی این نوع برخوردها در هیچ زمانی موجب نگشته است که تحقیقات طرف مقابل از قلمرو جامعه‌شناسی حذف شود یا جامعه‌شناسی نبودن آن در محافل علمی جامعه‌شناسی پذیرفته شود. پس جامعه‌شناسان غیرمعتقد به روش تعبدی، نمی‌توانند منطقاً تحقیقات اجتماعی مبتنی بر روش تعبدی را جامعه‌شناسی ندانند، بلکه قضاوت دقیق در این باب آن است که آن را جامعه‌شناسی بنا شده بر روش غیرقابل پذیرش در نظر ایشان بدانند و با پسوند دینی، که بیانگر ویژگی آن است، از آن یاد کنند.

۷. امکان‌پذیر بودن کشف قوانین اجتماعی

بحث از سنت‌های اجتماعی در قرآن و روایات، بر این دو پیش‌فرض مبتنی است که پدیده اجتماعی قانون‌مند هستند و قوانین آنها قابل کشف و تبیین است. از این‌رو، پیش از پرداختن به بیان نمونه‌هایی از سنت‌های اجتماعی مطرح شده در آیات و روایات، در مقدمه، آن دو پیش‌فرض را به اختصار از دیدگاه قرآن و روایات بررسی می‌کنیم.

قانون‌مندی پدیده‌های اجتماعی، از آیات و روایات فراوانی به دست می‌آید که به مفاد و کیفیت دلالت آنها بر این امر اشاره می‌شود.

قرآن مجید، در بیش از دویست آیه، با بیان‌های مختلف و ضمن بیان سرنوشت امت‌های پیشین قانون‌مند بودن زندگی اجتماعی را متذکر شده است. توصیه به سیر در زمین و بررسی زندگی و سرنوشت امت‌های گذشته، سنت الهی بودن عواقب نیک و بد امت‌های پیشین، آیه و مایه عبرت بودن، مثل بودن، یادآوری و مشتمل بر پندبودن سرنوشت اقوام گذشته، سفارش به تفکر در زندگی و سرنوشت اقوام گذشته و تهدید و برحذر داشتن امت اسلام از گرفتار شدن به سرنوشتی مشابه سرنوشت امم گذشته، محورهای مختلفی است که در قرآن طرح شده است.

چنان‌که ملاحظه می‌شود موارد یادشده، همه اموری اجتماعی یا اعم از اجتماعی و فردی است و همه بر قانون‌مند بودن پدیده‌های اجتماعی و امکان کشف آنها دلالت دارد. توضیح آنکه اگر سرانجام امت‌های گذشته و پیامدهای رفتارهای گروهی ایشان، سلسله رویدادهای تفریدی و منحصر به فرد باشد و قانون عام و سنت مداوم و غیرقابل تحویل و تبدیل نباشد یا در عین قانون عام بودن، قابل کشف و تبیین نباشد، آیا می‌توان آن سرنوشت‌ها را مایه عبرت، درس آموز و هشدار برای امت اسلام دانست؟ آیا در این صورت، دستور به سیر در زمین و بررسی زندگی و سرنوشت امت‌ها معنی و مفهومی خواهد داشت؟! سرنوشت ویژه‌ای که مختص به گروه معینی بوده که از بین رفته‌اند، با سنت بودن و غیرقابل تحویل و تبدیل بودن و سفارش به تأمل و تفکر درباره آنها سازگار نیست. بنابراین، موارد یادشده، همه حاکی از قانون‌مند بودن زندگی اجتماعی و کلیت، دوام و ضرورت رابطه‌هایی است که در مورد امت‌های پیشین رخ داده است و امکان کشف آن رابطه‌ها و ضرورت تلاش به منظور پی بردن به تبیین و درس‌آموزی از آن را به اثبات می‌رساند.^{۲۹}

مشابه همین مطالب را در روایات پیامبر ﷺ و امامان معصومان علیهم‌السلام و از جمله سخنان گرانقدر علی علیه‌السلام در *نهج البلاغه* می‌بینیم. توصیه به تفکر در احوال پیشینیان، عبرت‌آموختن و پندگرفتن از سرنوشت ایشان، برحذر داشتن امت اسلام و جوامع انسانی از گرفتار آمدن در عقوبت‌هایی مشابه عقوبت‌های ایشان، تصریح به وجود مشابهت امت اسلام با امم گذشته در امکانات، رفتارهای فردی و گروهی، آداب و رسوم و پیامدهای اعمال گروهی و بیان این نکته که امام معصوم علیه‌السلام خود نیز با سیر و بررسی احوال گذشتگان، سنت‌های خدا را در مورد آنان بیان می‌کند و بیان نمونه‌های متعدد از آن سنت‌های اجتماعی، اموری است که در روایات بر آن تأکید شده است.^{۳۰}

نکته پایانی آن است که «سنت» بودن یک رابطه در آیات و روایات، منحصر به مواردی نیست که از آن آشکارا با عنوان «سنت» یاد شده باشد، بلکه همین که رابطه‌ای خاص ویژگی‌های «سنت اجتماعی» را با خود داشت، سنت اجتماعی تلقی می‌شود. چنان‌که تبیین اجتماعی یک سنت اجتماعی تنها وجه ممکن و صحیح آن تلقی شود و نباید به معنی نفی تبیینی دیگر باشد، چه بسا صاحب‌نظران وجوه یا ابعاد دیگری از تبیین این رابطه ارائه دهند که مکمل یا تبیین موضوع مطرح شده باشد.

همچنین تبیین از نوع تبیین‌های جامعه‌شناختی یا از روان‌شناختی اجتماعی، به معنی نفی هرگونه رابطه غیبی‌ای که بیانگر چنین پیامدهایی باشد و در آیه شریفه مدنظر باشد، نیست؛ چنان‌که وجود آن رابطه غیبی به معنی نفی چنین ارتباط محسوس و مشهودی نمی‌باشد. انتساب سنت‌ها به خداوند متعال، که نمایانگر توحید افعالی است، نیز دلیل نبود اراده این رابطه‌های عینی در آیات شریفه نیست؛ چنان‌که در بینش قرآنی، با وجود ارتباط‌های عینی این جهانی بین پدیده‌ها، همه تحولات جهان را به خداوند منتسب می‌داند.

نتیجه‌گیری

بر اساس آنچه گذشت نتایج زیر به دست می‌آید:

۱. سنت اجتماعی، تدبیر و ساماندهی امور به دست خدای متعال، که همراه با فکر و تداوم است، بیانگر قوانینی حاکم بر پدیده‌ها و زندگی اجتماعی انسان است.
۲. سنت‌ها به فردی و اجتماعی، جهان‌شمول، غیرجهان‌شمول، دنیایی، آخرتی، مربوط به انسان و مرتبط به سایر موجودات تقسیم می‌شوند.
۳. ویژگی‌های سنت‌های اجتماعی در قرآن عبارت‌اند از: استناد به خدا، تحول‌ناپذیر، سازگار با اختیار انسان، و دارای پیوند با زندگی اجتماعی انسان.
۴. تفاوت کشف قوانین اجتماعی و سنت‌های اجتماعی در روش دستیابی به آنها، اولی از طریق علم تجربی و دومی از طریق وحی قابل وصول است.
۵. سنت‌های اجتماعی شامل عالم محسوسات و غیرمحسوسات است؛ در حالی که گستره قوانین اجتماعی به عالم محسوسات محدود می‌شود.
۶. روش کشف سنت‌های اجتماعی، به دلیل گستره شمول آن، متنوع است.
۷. سنت‌های اجتماعی در قلمرو جامعه‌شناسی جای می‌گیرند.
۸. قوانین اجتماعی دارای ویژگی قانون‌مندی و امکان کشف‌اند.

پی‌نوشت‌ها

۱. رک: احمدبن فارس، *ترتیب مقایسه اللغه*، ابراهیم انیس و دیگران، *المعجم الوسیط*.
۲. نمونه کاربرد واژه «سنت» در معانی لغوی در راه و روش، این روایت شریف نقل شده از امام باقر علیه السلام: «ایما عبد من عبدا لله سنّ سنّته هدی کان له اجر مثل اجر من عمل بذلک من غیر ان ینقص من اجورهم یشی و ایما عبد من عبدا لله سنّ سنّته ضلّالة کان علیه مثل وزر من فعل ذلک من غیر ان ینقص من اوزارهم یشی»؛ هریک از بندگان خدا که راه و روش هدایت بنیان نهد، برای او پاداشی همانند پاداش کسانی است که به آن راه و روش عمل کنند، بی‌آنکه از پاداش عاملان به آن سنت کاسته شود و هریک از بندگان خدا، که راه و روش گمراهی بنیان نهد، همانند بارگناه کسانی که آن راه و روش را در پیش گیرند بر دوش او خواهد بود، بی‌آنکه از بار گناه انجام‌دهندگان آن سنت کم شود. (محمدباقر مجلسی، *بحارالانوار*، ج ۷۱، ص ۲۵۸)
۳. مقصود از تقریر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امامان معصوم علیهم السلام آن است که در حضور آنان عملی انجام گیرد و با آنکه می‌توانسته‌اند نادرستی آن را عیان سازند، سکوت اختیار کرده و با سکوت خویش جایز بودن آن عمل را تأیید کنند. (برای توضیح بیشتر رک: کتاب‌های اصول فقه)
۴. محمدتقی مصباح، *معارف قرآن*، ج ۳-۱، (خداشناسی، کیهان‌شناسی، انسان‌شناسی، ص ۶۸ - ۷۸).
۵. در مورد دو تعبیر اخیر «سنت الاولین» و «سنت الذین من قبلکم»، دو احتمال وجود دارد: نخست آنکه، سنت و رویه خدا درباره امت‌های پیشین مراد باشد. در این صورت، مفاد این آیات، آیاتی که تعبیر «سنت الله» در آنها به کار رفته، یکی خواهد بود. دوم آنکه، مقصود روش و شیوه عملی و فرهنگ امت‌های گذشته باشد. در این صورت، آداب و رسوم اجتماعی ایشان مورد نظر است و ارتباطی به «سنت الله» ندارد. ولی به نظر می‌رسد احتمال اول با بیان آیات سازگارتر است. در واقع، چون سنت دارای دو طرف و محور (خدا و جوامع) است، از یک‌سو می‌توان آن را به خدا نسبت داد، یعنی فاعل سنت را در نظر گرفت و این واژه را به فاعل افزود (سنت‌الله) و از سوی دیگر می‌توان مورد و متعلق را در نظر گرفت و با اضافه کردن سنت به آن تعبیر «سنت الاولین» و نظیر آن را به کار برد. مؤید این مطلب، آیه شریفه «سُنَّةَ مَنْ قَدْ أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ مِنْ رُسُلِنَا وَلَا تَجِدُ لِسُنَّتِنَا تَحْوِيلًا» (اسرا: ۷۷) است که رابطه‌ای خاص یک بار «سنة من قد ارسلنا من رسلنا» نامیده شده و همان رابطه در همین آیه «سنتنا» دانسته شده است.
۶. محمدتقی مصباح، *جامعه و تاریخ*، ص ۱۵۴-۱۵۷.
۷. همو، *معارف قرآن*، ج ۳-۱، ص ۱۰۶-۱۲۴.
۸. رک: کتاب‌های لغت و نیز منابع تفسیری ذیل آیات مشتمل بر واژه سنت.
۹. در واقع، قوانین واقعی کشف شده، مواردی از «سنت الله» هستند و به همین دلیل، تبدیل‌ناپذیری در موردشان جریان دارد.
۱۰. رک: منابع لغوی و ذیل واژه تحویل. گفتنی است که هرچند کتاب‌های تفسیر، تحویل را به انتقال مکانی و موردی معنی کرده‌اند، ولی معنای لغوی آن وسیع‌تر از انتقال مکانی و موردی است.
۱۱. محمدباقر مجلسی، همان، ج ۲۷، ص ۶؛ همان رویه‌ای را که ملت‌ها پیش از شما داشتند، مو به مو، و جب به وجب و قدم به قدم در پیش خواهید گرفت، حتی اگر فردی از آنان وارد لانه سوسماری شده باشد، شما نیز وارد خواهید شد.

گفتنی است که در روایت سه تعبیر «دراغاً بذراع» و «شبراً بشبر» و «باعاً بباع» به کار رفته است که «ذراع» به معنی «از آرنج تا نوک انگشت میانه» «شبر» به معنی «وجب» و «باع» به معنی مسافت میان نوک انگشت میانه دست راست و چپ هنگامی که دو دست به صورت کامل باز نگه داشته شود و از آنجا که مقصود از سه تعبیر یاد شده، همسانی دقیق می‌باشد و زبان فارسی تنها معادل واژه دوم متعارف است، از همان معادل و دیگر معادل‌های متعارف در فارسی در ترجمه حدیث استفاده شده است.

۱۲. ر.ک: محمدتقی مصباح، جامعه و تاریخ، ص ۱۱۶-۱۲۴

۱۳. برای مثال، سنت خدا بر استدراج و در نهایت عذاب امت‌هایی است که به تکذیب پیامبر خویش پردازند، ولی در آیه شریفه «و ماکان الله معذبهم و انت فیهم و ما کان الله مهذبهم و هم یستغفرون» دلالت دارد تا زمانی که پیامبر اکرم ﷺ در میان مردم است و تا وقتی که امت اسلام استغفار می‌کنند عذاب استیصال آنان فرا نمی‌رسد.

۱۴. از جمله می‌توان به ماجرای قوم یونس توجه کرد. در قرآن (یونس: ۹۸) و در روایات (محمدباقر مجلسی، همان، ج ۱۴، ص ۳۰۸-۳۹۹) آمده است که قوم یونس با استفاده از سنت توبه و استغفار از جریان سنت عذاب استیصال تکذیب‌کنندگان پیامبران در مورد خود جلوگیری می‌کردند.

۱۵. از جمله می‌توان به آیه شریفه «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنفُسِهِمْ» (رعد: ۱۱) توجه کرد.

۱۶. ر.ک: سیدمحمدباقر صدر، مقدمات فی التفسیر الموضوعی للقرآن، ص ۶۸.

۱۷. برای نمونه می‌توان آیه شریفه ۴۶ سوره حج را در نظر گرفت که می‌فرماید: «أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَتَكُونُوا لَهُمْ قُلُوبًا يَعْقِلُونَ بِهَا أَوْ آذَانًا يَسْمَعُونَ بِهَا فَإِنَّهَا لَا تَعْمَى الْأَبْصَارُ وَلَكِنْ تَعْمَى الْقُلُوبُ الَّتِي فِي الصُّدُورِ»؛ آیا در زمین به سیر و نظر نمی‌پردازند تا دل‌هایی که با آن درک کنند یا گوش‌هایی که با آن بشنوند یا چشم‌هایی که با آن ببینند؟ راستی که چشم‌ها کور نیستند، بلکه دل‌هایی که در سینه است، نابیناست. از این آیه و آیات مشابه، نکات مهمی استفاده می‌شود که برخی از امور مرتبط با مباحث اجتماعی موارد زیر است: الف. قانون‌مند بودن پدیده‌های اجتماعی؛ ب. نداشتن منافات آن با اختیار و آزادی انسان؛ ج. قابل کشف بودن آن قانون‌مندی‌ها؛ ه. شناخت قانون‌مندی‌ها باید به منظور عبرت گرفتن و استفاده عملی از آنها در راه رسیدن به سعادت ابدی باشد؛ و. درس نیاموختن و نپذیرفتن قانون‌مندی‌های اجتماعی، برخاسته از آلودگی و پلیدی‌هایی است که انسان بر اثر اعمال اختیاری به دست می‌آورد؛ ز. مشاهده و تعقل یکی از راه‌های پی‌بردن و کشف قانون‌مندی‌ها و یافتن موارد تأیید آنها و نیز زمینه‌ساز پالودگی روحی و ایجاد تغییرات فردی و اجتماعی است.

۱۸. آیه شریفه «يُسْأَلُ عَمَّا يُفْعَلُ وَ هُمْ يُسْأَلُونَ» (انبیاء: ۲۳) و آیه شریفه «و فقوم انهم مسئولون» از جمله آیاتی است که با صراحت، مسئول بودن انسان‌ها را بیان می‌کند، ولی همه آیاتی که بیانگر دستورالعمل‌ها و عواقب تخلف یا نتایج عمل به آنهاست، به صورت غیرمستقیم و غیرصریح بر مسئولیت انسان دلالت دارد.

۱۹. نظام پاداش و کیفر در آخرت به لحاظ عادلانه بودن آن و امکان تحقق چنین نظامی، نظام فردی است، به این معنی که هر کس تنها پاداش و کیفر رفتار خود را دریافت می‌کند. ولی این موضوع، که مورد تأکید آیات و روایات و مقتضای مبانی فلسفی اسلام است، گاه با فردی بودن کل نظام آخرت خلط می‌شود. نظام مجازات گرچه به مفهومی که گذشت فردی می‌باشد، انواع مجازات‌ها و پاداش‌های جمعی مانند رسوایی و برملا شدن جرایم افراد برای دیگران، یا لذت بردن از همنشینی با نیکان هم وجود دارد. دنیوی بودن سنت‌های اجتماعی بدان

معنی نیست که آثار این سنت‌ها مختص به زندگی دنیا است و هیچ‌گونه جلوه‌ای در آخرت ندارد، بلکه همین سنت‌های اجتماعی دنیایی احیاناً نمود ویژه‌ای در آخرت دارند؛ مانند فراخوانی هر امت، همراه با رهبران خویش که در آیه ۷۱ اسراء مطرح شده است که در دنیا نیز صلاح و فساد امت‌ها به رهبران صالح یا فاسد.

۲۰. مقصود از علوم انسانی، معنای علاوه بر شامل علوم انسانی به مفهوم رایج آن شامل فلسفه و برخی دیگر از علوم تجربی هم می‌شود.

۲۱. برای توضیح بیشتر ر.ک: محمود مهدی عراقی و دیگران، *درآمدی به جامعه‌شناسی اسلامی*، ج ۲، ص ۱۷۳-۱۷۵ و ص ۱۸۰.

۲۲. ژولین فروند، *آراء و نظریه‌ها در علوم انسانی*، ترجمه علی محمد کاردان، ص ۱۰۵-۱۱۵.

۲۳. ر.ک: مهدی عراقی، محمد و دیگران، همان، ج ۲، ص ۱۷۸-۱۸۵.

۲۴. ر.ک: کتاب‌های کلامی و فلسفی از جمله: سیدمحمدحسین طباطبائی، *اصول فلسفه و روش رئالیسم*، پاورقی مرتضی مطهری، ج ۶، ص ۱۰۲۸-۹۷۳؛ محمدتقی مصباح، *آموزش عقائد*، ج ۱، ص ۵۱-۵۵ و ۱۲۳-۱۲۵؛ ج ۲، ص ۱۱-۷ و ۲۷-۲۵ و ۳۵؛ ج ۳، ص ۳۵-۳۷.

۲۵. برخی واژه «سنت اجتماعی» را به آن دسته روابط اجتماعی بین پدیده‌ها که از طریق وحی کشف شده اختصاص داده‌اند. این نامگذاری اگر در مقام تفکیک روابط کشف شده از طرق مختلف انجام گیرد و در برابر «سنت اجتماعی»، روابط کشف شده با روش تجربی را «قوانین تجربی» و روابط به دست آمده با روش عقلی را «قوانین عقلی» و روابط مشهود با روش کشف و شهود را، «قوانین عرفانی» بنامیم، نامگذاری مناسبی است؛ ولی اگر به معنی تفاوت حقیقی این روابط باشد، گمراه کننده می‌باشد.

۲۶. برخی تعبیر «جامعه‌شناسی دینی» را معادل «Sociology of Religion» به کار برده‌اند که معادل‌گذاری نادرستی است و بهتر بلکه صحیح آن است که واژه جامعه‌شناسی دین را معادل آن در سنت و واژه «جامعه‌شناسی دینی» را به آنچه در متن مقاله آمده، اختصاص دارد. استفاده از استنتاج و تعقل در روش تجربی مانع از آن نیست که دستاوردهای آن در مورد مسائل اجتماعی را جامعه‌شناسی تجربی بنامیم؛ زیرا در سایر روش‌ها نظیر تفهم و همدلی نیز از تعقل سود می‌جوئیم، بلکه در روش وحی نیز از اصول عقلی و استنتاج‌های منطقی بهره می‌گیریم.

۲۷. دو پاسخ یادشده دو پیش‌فرض مبتنی است: نخست دین، و دست‌کم اسلام، بیانگر همه مسایل اتماعی است و دوم استخراج کلیه مسائل اجتماعی مطرح شده در دین برای ما قابل دستیابی است.

۲۸. دو پاسخ یادشده بر این دو پیش‌فرض قابل بحث و بررسی مبتنی است که اولاً رسالت دین بیان تمام مسائل اجتماعی است و بنابراین، اسلام همه مسائل اجتماعی را بیان کرده است و ثانیاً دستیابی به آنچه در روایات و آیات مقصود بوده است، برای ما میسر است.

۲۹. در این زمینه، می‌توان از آیات فراوان دیگری که بر نقش فرد در تحولات اجتماعی و دگرگونی ساختارهای اجتماعی تأکید دارد سود جست.

۳۰. ر.ک: محمود رجبی، «قانونمندی جامعه و تاریخ»، *تاریخ در آینه پژوهش*، ش ۲.

منابع

- ابن فارس، احمد، ترتیب مقایس اللغة، قم، مرکز دراسات الحوزه و الجامعه، ۱۳۸۷.
- رجبی، محمود، «قانونمندی جامعه و تاریخ»، تاریخ در آینه پژوهش، سال اول، ش ۲، تابستان ۱۳۸۳، ص ۶۳-۲۳.
- انیس، ابراهیم و دیگران، المعجم الوسيط، ج سوم، تهران، مکتب نشر الثقافه الاسلامیه، ۱۳۶۷.
- مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج سوم، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
- مهدی عراقی، محمود و دیگران، درآمدی به جامعه‌شناسی اسلامی، تهران، سمت، ۱۳۷۳.
- صدیق، رحمت‌الله و دیگران، درآمدی به جامعه‌شناسی اسلامی، تهران، سمت، ۱۳۷۳.
- فروند، ژولین، آراء و نظریه‌ها در علوم انسانی، ترجمه علی محمد کاردان، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۲.
- صدر، سیدمحمدباقر، مقدمات فی التفسیر الموضوعی للقرآن، بیروت، دارالتوجیه الاسلامی، ۱۴۰۰ ق.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین، اصول فلسفه و روش رئالیسم، پاورقی مرتضی مطهری، قم، اسلامی، بی‌تا.
- مصباح‌یزدی، محمدتقی، آموزش عقائد، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۸.
- _____ معارف قرآن، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، بی‌تا.
- _____ جامعه و تاریخ، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۸.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی